

تحلیل راهکارهای جلوگیری از هجوم‌های بانکی

رحیم دلالی اصفهانی* / محمد واعظ برزانی** / بایان ولی***

چکیده

هجوم‌های بانکی را می‌توان یکی از عوارض بحران‌های مالی دانست که مقابله با آن از اهمیت بسزایی برخوردار است. در این مقاله، ضمن ارائه تحلیلی از ریشه‌های بحران اقتصادی سال ۲۰۰۸، به بررسی راه‌های مقابله با هجوم‌های بانکی می‌پردازیم. ما با استفاده از رهیافت‌های ارائه شده در ادبیات موجود به ویژه مقاله *دایموند و دیویگ (۱۹۸۳)*، مدلی برای تحلیل ابزارها و سیاست‌های قابل استفاده جهت مدیریت دارایی‌ها و بدهی‌ها و کاستن از عوارض هجوم‌های بانکی به دست می‌دهیم. در این بررسی که به شیوه تحلیلی انجام شده، به طور خاص، سه شیوه «قرارداد وقفه در قابلیت تبدیل سپرده»، «بیمه سپرده‌ها»، و «وام‌دهی بانک مرکزی» مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. نتایج تحقیق بیان می‌کند که استفاده از این ابزارها و سیاست‌ها نمی‌تواند مانع از بروز بحران‌های نقد شوندگی و هجوم‌های بانکی شود؛ بلکه تنها می‌تواند بحران‌ها را به تأخیر اندازد یا در صورت مواجه شدن با بحران، از شدت آسیب‌ها بکاهد. مدل ارائه شده در مقاله می‌تواند پایه‌ای برای شکل‌گیری پژوهش‌های تکمیلی در زمینه مشکل هجوم بانکی در دوره انتقالی نظام بانکداری بدون ربا و نظام فعلی بانکی جمهوری اسلامی ایران باشد. کلید واژه‌ها: هجوم‌های بانکی، بحران مالی، سپرده دیداری، قرارداد وقفه در قابلیت تبدیل، بیمه سپرده، نقدینگی.

طبقه‌بندی JEL: E52, G62, G63, E58.

* دانشیار دانشکده اقتصاد دانشگاه اصفهان - گرایش اقتصاد پولی، اقتصاد توسعه Rateofinterest@yahoo.com

** استادیار دانشکده اقتصاد دانشگاه اصفهان - گرایش اقتصاد بین‌الملل، اقتصاد نظری، اقتصاد مالی Mo.vaez1340@gmail.com

*** دانشجوی کارشناسی ارشد رشته توسعه اقتصادی و برنامه‌ریزی دانشکده اقتصاد دانشگاه اصفهان Valibayan@yahoo.com

دریافت: ۸۹/۹/۲۵ - پذیرش: ۸۹/۱۲/۱۰

مقدمه

بدون تردید، نقش بانک‌ها در اقتصاد کشورها نقشی حیاتی است. به رغم اهمیت بانک‌ها، اگر دارایی‌ها و بدهی‌های آنها از لحاظ نقدشوندگی مقایسه شوند، ملاحظه خواهد شد که بانک‌ها در برابر کمبود نقدشوندگی، که موجب هجوم بانکی و دست‌آخور ورشکستگی می‌شود، به شدت آسیب‌پذیرند؛ زیرا در برابر دارایی‌های با ضریب نقدشوندگی بسیار پایین، حجم عظیمی از بدهی‌های با ضریب نقدشوندگی بالا وجود دارد. این ریسک نقدشوندگی، در زمان عادی، مشکلات زیادی برای بانک‌ها به وجود نمی‌آورد و به وسیله تأمین مالی از طریق انتشار اوراق بهادار رفع می‌شود؛ اما در زمان بحران که شرایط خاص اقتصادی می‌باشد (هنگامی که عده بی‌شماری از سپرده‌گذاران می‌کوشند تا هر چه زودتر سپرده‌های خود را برداشت کنند) مشکلات فراوانی برای بانک‌ها به وجود می‌آورد که از آن تعبیر به «هجوم بانکی» می‌شود.

هجوم‌های بانکی از ویژگی‌های معمول بحران‌های بزرگ هستند که نقش چشمگیری را در تاریخ پولی کشورها ایفا می‌کنند. هنگامی که هجوم بانکی اتفاق می‌افتد، سپرده‌گذاران برای برداشت سپرده‌های خود به طور گسترده به بانک مراجعه می‌کنند؛ چون انتظار آن را می‌کشند که بانک ورشکسته شود در حقیقت، برداشت ناگهانی سپرده‌ها بانک را به تبدیل دارایی‌های نقد مجبور می‌کند که این موضوع موجب تشدید اوضاع و نهایتاً خسارت و ورشکستگی بانک می‌شود. وحشت عمومی که در پی ورشکستگی تعداد زیادی از بانک‌ها رخ می‌نماید، سیستم پولی را به هم می‌ریزد، تولید را کاهش می‌دهد، و سرانجام ممکن است موجب سقوط اقتصاد می‌شود. این اتفاق در سال ۱۹۳۳، در ایالات متحده، نزدیک به وقوع کامل بود. از آن زمان تا کنون، نهادها و سازمان‌هایی که در ایالات متحده ایجاد شده‌اند، برای جلوگیری از هجوم‌های بانکی در این کشور تلاش‌های بسیاری کرده‌اند؛ اما این تلاش‌ها فقط مسائل را به طور موقت حل کرده است.

تحلیل بحران بانکی، به عنوان یکی از اشکال بحران مالی، به این دلیل دارای اهمیت است که در آن می‌توان به نقش ارزش‌های غیرواقعی یا ارزش‌های مجهول فراگیر در اقتصاد در ایجاد بحران پی برد. آنچه در این خصوص اهمیت دارد این است که در آموزه‌های حکمی شریعت اسلام، از ارزش‌های فوق‌با‌عناوین «نفی اکل مال به باطل» یا «نفی غرر»

احتراز شده است. این امر ما را با این سوال مواجه می‌کند که آیا در نظام بانکداری اسلامی نیز مشکل هجوم بانکی رخ می‌دهد و چه سازوکارهایی برای مواجهه با آن وجود دارد. در نوشتار حاضر، می‌کوشیم تا بر اساس مقاله *دایموند و دیویگ*، با عنوان «هجوم‌های بانکی، بیمه سپرده و نقدشوندگی»، قراردادهای بانکی را به مثابه ابزارهایی جلوگیری از هجوم‌ها یا توقف آنها تحلیلی کنیم. این ابزارها شامل قرارداد وقفه در قابلیت تبدیل سپرده^۲ و بیمه سپرده دیداری^۳ است. راهبردهای دیگری مانند روزنه تنزیل^۴ و نقش دولت به عنوان آخرین مرجع وام‌دهنده^۵ می‌تواند عملکرد مشابهی داشته باشد. همچنین، نوع دیگری از قرارداد وجود دارد که بیمه سپرده دولتی نامیده می‌شود. این بیمه، بدون کاهش قدرت بانک برای تبدیل دارایی‌ها، می‌تواند از هجوم بانکی جلوگیری کند و سیاست نقدینه‌سازی دارایی‌ها را از وابستگی کامل به حجم برداشت‌ها رها سازد.

این مقاله نشان می‌دهد که در ایالات متحده، بخش اعظمی از ریسک نقدینگی از طریق واسطه‌های مالی بیمه شده هدایت می‌شود که این مطلب در درک مسائل بانکداری بسیار مهم است.

در مقاله حاضر، پس از ارائه تحلیلی در مورد منشأ بحران کنونی در اقتصاد آمریکا، به مرور مطالعات صورت گرفته در زمینه هجوم بانکی می‌پردازیم. در ادامه، ضمن بیان روش تحقیق مقاله، الگویی نظری برای تحلیل پدیده هجوم بانکی ارائه می‌شود. تجزیه و تحلیل راه‌های مقابله با این پدیده در قالب الگوی ارائه شده بخش بعدی مقاله را تشکیل می‌دهد. بخش انتهایی مقاله به بررسی مختصر مسئله هجوم بانکی در نظام بانکداری اسلامی و نتیجه‌گیری اختصاص دارد.

علل به وجود آمدن بحران مالی اخیر در اقتصاد آمریکا

در آمریکا، نرخ اشتغال بالا و تورم پایین به همراه نظارت اندک بر فعالیت‌های بانک‌ها (به ویژه بانک‌های مسکن) اشتیاق مردم را برای خرید مسکن به طرز چشمگیری افزایش داد و این امر خود به افزایش بی‌رویه قیمت مسکن در سال‌های قبل از ۲۰۰۸ انجامید. در این میان، بانک‌های مسکن به بازاریابی و سیعی برای گرم‌تر کردن بازار مسکن دست زدند و بدین طریق، در فاصله چند سال، به میلیون‌ها شهروند آمریکایی وام مسکن اعطا کردند. البته، اقدامات تبلیغاتی و جذب مشتری به خودی خود بحران‌آفرین نیست؛ آنچه بحران را

آغاز کرد، همانا، روش اعطای تسهیلات و نوع مشتریان متقاضی وام مسکن بود. اکثر این مشتریان فاقد اعتبار مالی بودند، درآمدهای نسبتاً پایینی داشتند، دارای و سابقه اشتغال بی ثبات و نامطمئنی بودند. بانکها نه تنها به بی اعتباری مالی این مشتریان اعتنایی نکردند، بلکه اعطای این وامها را از طریق مشوقهایی از جمله کاهش پیش پرداخت و یا سود بانکی تا پنجاه درصد برای دو سال اول وام تسهیل کردند.

از آنجا که این مشتریان اعتبار مالی خوبی نداشتند، بانکها ریسک اعطای این وامها را با تعیین نرخ بهره بالاتر جبران کردند. در نتیجه، بانکها با چندین میلیون آمریکایی کم اعتبار و کم درآمد قراردادهایی با ریسک و بهره بالا منعقد کردند. آنها این قراردادها را با استفاده از ابزار بسیار پیچیده سرمایه گذاری، به بسته های مالی تبدیل کردند و به صورت وسیع، در امریکا و جهان، به بنگاه های مالی و سرمایه گذاری (بانکها و بیمه ها) فروختند؛ بدین ترتیب، در فاصله نسبتاً کوتاهی، چندین تریلیون دلار به بازار پول و سرمایه وارد شد.

به دنبال رشد اقتصادی و افزایش تورم، بانکهای مرکزی - به ویژه در امریکا و انگلستان - سود تسهیلات بانکی را افزایش دادند تا از مصرف بیش از حد، و تورم بکاهند. در نتیجه این سیاست انقباضی، وام گیرندگان بخش مسکن با مشکل بازپرداخت اقساط وامهای مسکن خود که نرخ آن چند برابر شده بود، روبه رو شدند این مشکل برای کسانی که کارشان را به علت سیاستهای انقباضی دولت از دست داده بودند، به سرعت تبدیل به بحران شد.

در این زمان، بدهی انباشته شده از قبل به حد غیرقابل کنترلی رسید و هزینه بازپرداخت آن نیز افزایش یافت؛ در مقابل، سطح درآمد واقعی در امریکا نه تنها رشدی پیدا نکرد، در بسیاری موارد، کاهش هم یافت. در نتیجه، وام گیرندگان قادر به بازپرداخت وامهای خود یا پرداخت جرایم دیرکرد آنها نبودند. از این رو، مؤسسات مالی نیز که به آسانی به این عده وام داده بودند، قادر به وصول مطالبات خود نبودند.

بعد از اعلام ورشکستگی وام گیرندگانی که قادر به بازپرداخت بدهی های خود نبودند، مؤسسات مالی آمریکایی در صدد برآمدند که با هدف جبران زیانهای خود، به مصادره اموال بدهکاران اقدام نمایند. اما این اقدام ثمری نداشت و آن مؤسسات به طلبکاران خارجی خود اعلام کردند که قادر به بازپرداخت مطالبات آنان نیستند.

این مشکل برای بسیاری از مؤسسه‌های مالی پیچیده‌تر بود؛ زیرا آنها با تکیه بر وثیقه‌های دریافتی از وام‌گیرندگان، اقدام به سرمایه‌گذاری در بازار اوراق بهادار کرده بودند. در نتیجه، با سقوط ارزش دارایی‌های مالی و اوراق بهادار، این مؤسسه‌های مالی از لحاظ فنی ورشکسته شدند. از این‌رو، بانک مرکزی آمریکا به منظور ممانعت از ورشکستگی حقوقی این مؤسسه‌ها اقدام به چاپ اسکناس کرد و آن را در اختیار بانک‌ها قرار داد تا همچنان به مصرف‌کنندگان وام بدهند؛ شاید با این کار، از سقوط آزاد اقتصاد آمریکا جلوگیری شود. این بانک به سیاست «تزریق پول به شبکه بانکی» ادامه داد تا از طریق پرداخت وام به مردم، تقاضا را تحریک کند.

دلارهایی که برای ورود کالا از دیگر کشورها به آمریکا به مصرف می‌رسیدند، به سرعت، زمینه رشد اقتصادی آن کشورها به ویژه کشورهای آسیایی چین و هند را فراهم ساختند. زمانی که عرضه دلار کشورهای آسیایی از میزان تقاضای آنها فراتر رفت، این کشورها دلارهای اضافه را به صورت وام و اعتبار به کشورهای غربی بازگرداندند. بدین ترتیب، هر سال بدهی بانک‌ها و مؤسسه‌های آمریکایی افزایش می‌یافت؛ در مقابل، هزینه بازپرداخت این بدهی نیز بیش‌تر می‌شد. در پی این مسئله، دیگر آمریکا نمی‌توانست با استقراض‌های فوری، و استفاده از دلارهای سرگردان خارجی، مشکل بدهی‌های خود را حل کند.

وام‌دهندگان بین‌المللی نیز ضمن آشفتگی بسیار از وخامت اوضاع اقتصادی در آمریکا، با توجه به کاهش ارزش دلار و فروپاشی مؤسسه‌های مالی، در مورد سرمایه‌گذاری‌های خود در این کشور به شدت نگران شدند. این وام‌دهندگان، ناامیدانه، به دنبال مناطق جایگزین می‌گشتند تا دلارهای مازاد، اما تضعیف‌شده خود را پیش از آنکه کم‌ارزش‌تر شوند، سرمایه‌گذاری کنند. آنان همچنین با خرید روزافزون یورو به جای دلار (به عنوان ذخیره ارزی) موجب کاهش روزافزون ارزش دلار در برابر یورو شدند.

بررسی نظری دلایل بروز بحران مالی اخیر در ایالات متحده

بحران اخیر در ایالات متحده به بحران دهه ۱۹۳۰ شباهت بسیار زیادی دارد؛ و لازم است دولت ایالات متحده در فرایند بازار دخالت مؤثر و فوری داشته باشد. در این زمینه، توصیه‌های کینز جای تأمل فراوان دارد. کینز برای خروج از بحران دهه ۱۹۳۰ پیشنهادهایی

داد که از یک منظر بسیار کارگر افتاد؛ اما راه حل او موقتی بود. وی به دنبال حذف یا حداقل کاهش نرخ بهره پولی نبود؛ زیرا به عقیده او، زمانی که اقتصاد در دام نقدینگی گرفتار آید، سیاست پولی بی اثر می شود و نمی توان از نرخ بهره کاست یا آن را به طور جدی متأثر ساخت (به عبارتی، سیاست پولی توان مواجهه با بحران را ندارد). از این رو، کینز پیشنهادهایی کوتاه مدت ارائه کرد و گفت: کمبود تقاضای مؤثر به علت ورود بهره را باید با حضور دولت و سیاست های خاص مالی جبران کرد.

البته، عالمان اقتصادی پیش از کینز و استادان او استدلال های محکمی در حمایت از بهره به دست داده بودند که مخالفت با آنها نه شایسته بود و نه به آسانی امکان پذیر بود. به نظر عالمانی چون بوم باورک، کسل، فیشر و...، خداوند ویژگی هایی را در طبیعت و نیز در نهاد و شخصیت انسان قرار داده است که بیانگر وجود «بهره» اند. این ویژگی ها عبارت اند از: ارجحیت زمانی به علت بی صبری بشر، مولد بودن ذاتی کالاهای سرمایه ای (زمان بر بودن فرایند تولید)، و مطلوبیت نهایی کاهنده. توضیح آنکه بشر ذاتاً موجودی بی صبر است و در برابر صبر کردن، تقاضای پاداش می نماید؛ «بهره» پاداشی است برای صبر این موجود بی صبر. همچنین، زمان کالاها را بارور می کند؛ از این رو، انصاف است که متناسب با این باروری، بهره ای پرداخت یا دریافت شود. اما کینز به خوبی دریافته بود که بهره موجب رکود در سیستم سرمایه داری می شود.

امروز، با گذشت هفت دهه از آن زمان، اقتصاد سرمایه داری دستخوش تحولات گسترده ای شده و استدلال ها شکل دیگری به خود گرفته است. اقتصاددانان معاصر معتقدند: ارجحیت زمانی ناشی از عدم عقلانیت است؛ بدین ترتیب، هرچه عقلانیت بیشتر باشد، ارجحیت زمانی کمتر خواهد بود (و بنابراین، بهره کمتری خواهیم داشت). از نظر آنان، «صفر» بهترین نرخ برای بهره است؛ زیرا با این نرخ، زمینه برای اشتغال کامل و ثبات سطح عمومی قیمت ها فراهم می شود. اقتصادهای پیشرو در نظام سرمایه داری همه تلاش خود را به کار می گیرند تا به نرخ بهره صفر نزدیک شوند. آنها بدین منظور، از جدیدترین روش ها استفاده می نمایند. بنابراین، به نظر می رسد، اینک اصل «اصالت بهره خواری» (که از اصول نظام سرمایه داری شمرده می شود) رو به افول نهاده، و روند بلندمدت بهره پولی، کاهش می

است. از این‌رو، استدلال کینز دربارهٔ علت بحران اخیر چندان معتبر نیست؛ نرخ بهرهٔ پولی آنقدر بالا نیست که تفاضل معناداری بین پس‌انداز و سرمایه‌گذاری به وجود آورد.

پس، علت بحران اخیر چیست؟ بدون تردید، این بحران بحرانی مالی است که به علت آشفتگی اوضاع مؤسسه‌های مالی و بانک‌های ایالات متحده، و عمل نکردن آنها به تعهداتشان ایجاد شده است. ریشهٔ این گرفتاری در ذات و ماهیت نظام بانکی نهفته است. فعالیت بانک‌ها بر مبنای سازوکار خلق پول استوار است که نسبت ذخیرهٔ قانونی می‌تواند تا اندازه‌ای، و البته به صورت نامطمئن، خلق پول بانکی را کنترل نماید.

نکتهٔ ظریفی هست که لازم است به آن دقت شود: بین وام بانکی و وام غیربانکی، تفاوت‌های بسیاری وجود دارد. هنگامی که شخص یا مؤسسه‌ای غیر از بانک وام می‌دهد، در واقع، بخشی از قدرت خرید خود را به وام‌گیرنده منتقل می‌کند. به عبارت دیگر، وام‌دهنده از تقاضایش برای خرید می‌کاهد و آن را به وام‌گیرنده انتقال می‌دهد. از این‌رو، با اعطای وام غیربانکی تقاضای کل در اقتصاد تغییری نمی‌کند. اما هنگامی که بانک وام می‌دهد، قدرت خرید اضافی تولید می‌شود؛ زیرا از یک‌طرف، وقتی وام‌گیرنده مبلغ وام دریافتی خود را هزینه نمود، آن مبلغ، در قالب سپردهٔ جدید به بانک بر می‌گردد و زمینهٔ پرداخت وام دیگری فراهم می‌شود. این روند تا جایی ادامه پیدا می‌کند که کل ذخیرهٔ پولی اولیه (ذخیرهٔ قانونی) در بانک تکمیل شود.

از طرف دیگر بانک‌ها با خلق پول از هیچ‌آبه این موضوع دامن می‌زنند. بر این اساس، وام بانکی تقاضای کل اقتصاد را بالا می‌برد. همچنین، تأدیهٔ وام موجب قبض نقدینگی می‌شود. در واقع، بانک با خلق اعتبار موجب قبض و بسط نقدینگی می‌شود، اقتصاد را با نوسانات روبه‌رو می‌کند و آن را در جهت پس‌انداز مجازی (یا اصطلاحاً پس‌انداز اجباری) و ایجاد تقاضای کاذب سوق می‌دهد، و مقدمات بحران مالی را فراهم می‌آورد. افزون بر این، چون پولی واحد و مشخص در یک لحظه به صورت هم‌زمان برای تأمین مالی تقاضاهای گوناگون حرکت می‌کند، به توهم پولی نیز دامن زده می‌شود.

بانک‌ها با دریافت بهره، به طور مرتب، پول ملی را متناسب با درصد بهرهٔ دریافتی خویش در اختیار می‌گیرند و با خلق اعتبار، این موضوع را تشدید و سرعت می‌بخشند. از این‌رو، همواره پول ملی از جیب مردم، به خزانهٔ بانک‌ها سرازیر می‌شود و هر روز دولت و

مردم به بانک‌ها بدهکارتر می‌شوند که استمرار این امر موجب فزونی طلب بانک‌ها از کل ذخیره پولی می‌گردد و بستر بعدی بحران‌های پولی و مالی را فراهم می‌سازد. اگر سیستم مالی توان اعطای اعتبار داشته باشد، متناسب با شدت تقاضای وام، بحران مالی عمیق‌تری انتظار خواهد رفت.

البته هرچه سیستم اقتصادی مذکور با اقتصاد بین‌الملل تعامل بیشتری داشته باشد، متناسب با اعتبار بین‌المللی پول ملی آن کشور، بروز این بحران به تعویق خواهد افتاد؛ ولی سرانجام سیستم مذکور با بحران برخورد خواهد نمود. اولین نتیجه ناشی از قدرت تولید وام، تورم می‌باشد. اما در یک اقتصاد باز، ممکن است این تورم از طریق انتقال آن به خارج از مرزها، در کشور مورد نظر کمتر نمود کند. شواهد آماری مربوط به ایالات متحده این فرضیه را تأیید می‌کند. ایالات متحده با کسری تراز پرداخت‌های خارجی روبه‌رو می‌باشد، به گونه‌ای که این کسری در طول سال‌های گذشته در حال افزایش بوده است. حجم کل مبادلات بازرگانی آمریکا با جهان در سال ۲۰۰۷ برابر ۳۰۶۰ میلیارد دلار بوده است. از این میان، ۳۹ درصد سهم صادرات، و ۶۱ درصد سهم واردات بوده است. ایالات متحده آمریکا به لحاظ صادرات در رتبه سوم، و به لحاظ واردات در رتبه اول جهان قرار دارد. یکی از مهمترین دلایل تورم جهانی کسری در تراز پرداخت‌های خارجی در ایالات متحده می‌باشد. همان‌طور که اشاره شد، در طول چند سال گذشته، نرخ‌های بهره در ایالات متحده در حال کاهش بوده است. این مسئله تأثیر بسیار زیادی در افزایش تقاضا برای وام‌های ارزان‌قیمت از سوی اقشار کم‌درآمد داشته و باعث شده است که سیستم مالی در ایالات متحده از قدرت خلق اعتبار خود بیش از پیش استفاده نماید. حباب قیمتی ایجادشده در بخش مسکن (که قبلاً اشاره شد، توضیح‌دهنده رشد پنجاه درصدی تولید ناخالص داخلی ایالات متحده طی دو سال گذشته نیز می‌باشد)، مدیون همین خلق اعتبار بوده است. اما این حباب ناگهان ترکید.

کاهش ارزش دلار در مقابل دیگر پول‌ها، که به خاطر کسری تراز پرداخت‌ها (واردات بیش از صادرات از سوی ایالات متحده باعث می‌شود عرضه دلار بیش از تقاضای آن گردد) ایجاد شده بود، مقدمات بازگشت دلارهای کم‌ارزش شده را به ایالات متحده فراهم کرد و این دلارهای مازاد در بخش مسکن که بیشترین رشد قیمت و سودآوری را تجربه

کرده بود، سرمایه‌گذاری شد. همگام با این وضعیت، مؤسسه‌های مالی که به برکت وام‌های مسکن پرداختی، افق روشنی را تصور کرده بودند، به پشتوانه وام‌های مسکن، در بازار بورس نیز سرمایه‌گذاری نمودند. همه اینها دست به دست هم داد تا حبابی که در بخش مسکن ترکیب به بازار بورس نیز سرایت نماید.

از نقطه نظر کینزین‌ها و نئوکینزین‌ها، شرط ماندن در رکود، اختلاف پس‌انداز از سرمایه‌گذاری است ($S > I$) که این مسئله به خاطر نرخ‌های بهره پولی بالا پیش می‌آید. اما بحران فعلی در ایالات متحده در شرایطی ایجاد شده است که نرخ‌های بهره پولی بسیار پایین بوده‌اند. به هر حال، هم پس‌انداز و هم سرمایه‌گذاری هر دو در ایالات متحده نسبتاً برابرند؛ هرچند هر دو پایین هستند، اما کسری تراز پرداختی در امریکا همواره با کسری بودجه وجود دارد. به عبارت دیگر چنانچه رابطه زیر را در نظر بگیریم:

$$(G-T)+(X-M)=(S-I)$$

اگر در یک سیستم اقتصادی که در آن نرخ‌های بهره پولی پایین‌اند و امکان بیشتری برای دسترسی به تعادل بین پس‌انداز و سرمایه‌گذاری وجود دارد، در صورتی که کسری در تراز پرداختی‌ها ایجاد شود (ناشی از وام بانکی و خارج کردن آثار تورمی ناشی از آن)، کسری بودجه دولتی ضروری خواهد بود تا سیستم درگیر رکود نشود. ایالات متحده هم‌اکنون در این وضعیت قرار دارد. اما کسری تراز پرداختی‌ها هم‌اکنون تا حد بالایی افزایش یافته و لازم است، بسیار بیشتر از گذشته، دولت در کسری قرار گیرد. اقدام فعلی ایالات متحده (خرید بانک‌های ورشکسته خصوصی توسط دولت و انتشار دلار) که در واقع، کسری بودجه را عمیق‌تر خواهد نمود، در همین راستا تفسیر می‌شود.

البته، قرار گرفتن در کسری بیشتر راه‌حلی بسیار موقتی شمرده می‌شود؛ زیرا انت‌شار دلارهای جدید، قدرت وام‌دهی را بیشتر، و بنابراین، فاجعه را در آینده شدیدتر و مخرب‌تر خواهد نمود. تردیدی نیست که نظام سرمایه‌داری، در آینده، به نابودی گرایش خواهد داشت.

اقدام به ایجاد کسری در تراز پرداختی‌ها برای خارج نمودن آثار تورمی وام‌های بانکی، برای تمامی کشورهایی که خلق پول می‌کنند، عملی نیست؛ زیرا خالص واردات جهانی صفر است. یعنی قرار گرفتن برخی کشورها در کسری مستلزم قرار گرفتن برخی دیگر از

کشورها در مازاد خارجی است. لذا انتقال تورم ناشی از عملیات بانکی برای کشورهایی که مازاد خارجی وجود دارد یا تعادل در ترازپرداخت‌ها دارند، غیرممکن خواهد بود.

مروری بر مطالعات انجام‌شده

۱. مطالعات خارجی

فریدمن و شوارتز^۷ در کتاب *تاریخ پول در ایالات متحده (۱۸۶۷-۱۹۶۰)*، با استفاده از روش توصیفی و تحلیلی، به بررسی مفصل و دقیق مشخصات هجوم‌های بانکی پیشین در ایالات متحده پرداختند و بینش قابل ملاحظه‌ای را در این باره ایجاد کردند. آنان در مطالعات خود در مورد هزینه‌های زیادی که هجوم‌های بانکی در دهه ۱۹۳۰ بر اقتصاد امریکا تحمیل کرد، به این نتیجه رسیدند که لطمات حقیقی حاصل از هجوم بانکی از طریق عرضه پول رخ داده است؛ به این صورت که بانک‌ها بخش عمده عرضه پول را ایجاد می‌کنند. بر همین اساس، اگر یک یا چند بانک ورشکسته شوند، بخش عمده عرضه پول از بین خواهد رفت. در بحران عظیم ۱۹۳۰ در امریکا، M_1 به اندازه یک چهارم، و M_2 به اندازه یک‌سوم کاهش یافت.

نیهانس^۸ در کتاب *تئوری پول*، پتینکین^۹ در کتاب *پول، نرخ بهره و قیمت‌ها: ادغام پولی و تئوری ارزش*، و توین^{۱۰} در کتاب *تئوری انتخاب سبد سهام در تئوری نرخ‌های بهره*، با روش تحلیلی، مشخصات دارایی‌های بانک را توصیف کردند. در این بررسی‌ها، ابتدا تحلیلی از تقاضا برای نقدشوندگی و تبدیل خدمات عرضه شده به وسیله بانک‌ها ارائه گشته است و بررسی کنندگان به این نتیجه رسیده‌اند که قراردادهای سپرده دیداری بیمه‌نشده قادرند نقدشوندگی را فراهم کنند؛ اما این قراردادها باعث می‌شوند بانک‌ها نسبت به هجوم‌ها آسیب‌پذیرتر باشند. این آسیب‌پذیری بدین دلیل است که تعادل‌های چندگانه، با سطوح مختلفی از اعتبار وجود دارند؛ به طوری که بعضی از تعادل‌های فوق که متناظر به شرایط بحران‌اند، بی‌ثبات می‌باشند.

برایانت^{۱۱} در کتاب *مدلی از ذخایر، هجوم‌های بانکی و بیمه سپرده*، بیان می‌کند که: هجوم بانکی بدین دلیل است که دارایی‌های هر بانک که معمولاً دارای نقدشوندگی کم و ریسک زیادند، قادر نیستند بدهی‌های بانک را پوشش دهند؛ در نتیجه، سپرده‌گذاران برای جلوگیری از خسارت‌ها اقدام به برداشت سریع سپرده‌ها می‌کنند.

برنانکه^۲ در مطالعه خود با عنوان *اثرات غیرپولی بحران‌های مالی در گسترش رکود بزرگ*، با استفاده از روش تحلیل ریاضی، به این مسئله پرداخت که آیا سقوط مالی^۳ در اوایل دهه ۱۹۳۰ بر روی اقتصاد کلان، به جز از طریق کانال‌های پولی،^۴ تأثیرات واقعی داشته است؟ نتایج این تحقیق نشان می‌دهد مؤسسه‌هایی که در زمان‌های عادی به خوبی عمل می‌کنند، در دورانی که شوک‌های برونزا یا اشتباهات سیاسی بر اقتصاد وارد می‌شوند، می‌توانند ضد تولید^۵ باشند. همچنین، برنانکه نشان داد بانک‌هایی که با هجوم مواجه می‌شوند، بهتر می‌توانند وضعیت‌های وخیم اقتصادی را بیان کنند.

دایموند و دیبویگ^۶، در مقاله‌ای با عنوان «واسطه‌گری مالی به صورت نظارت محول شده»، به بررسی این دو سؤال پرداختند:

۱. چرا سرمایه‌گذاران به جای اعطای مستقیم وام، به بانک‌ها قرض می‌دهند تا آنها مبالغ دریافت‌شده را به وام‌گیرندگان وام دهند؟

۲. تکنولوژی مالی که به بانک‌ها این توانایی را می‌دهد که به عنوان دلال خدمت کنند،

چیست؟

نتایجی که در این مقاله به دست آمده، بیانگر نقش کلیدی قراردادهای بدهی در تأمین مالی بانک است و اهمیت تنوع و گوناگونی را در واسطه‌های مالی توضیح می‌دهد.

چارچوب این مقاله می‌تواند در فهم شکل سازماندهی واسطه‌های مالی، نقش بانک‌ها در تشکیل سرمایه، و آثار سیاست‌هایی که تنوع بانک‌ها را محدود می‌کنند، مفید واقع شود. دایموند و دیبویگ معتقدند: گام اول برای فهمیدن واسطه‌های مالی این است که ویژگی‌های بازارهای مالی توصیف شود. همچنین، فهم قراردادهای مالی نوشته شده توسط واسطه‌های مالی و تفاوت این قراردادها با قراردادهایی که شامل واسطه‌های مالی نمی‌باشند، و اینکه چرا این قراردادهای مالی بهینه هستند، مهم می‌باشد.

۲. مطالعات داخلی

بخشی، در گزارش خود با عنوان «بررسی دلایل بروز بحران مالی کنونی در ایالات متحده آمریکا» (۱۳۸۷)، به بررسی دلایل، پیامدها، و راهکارهای مقابله با بحران مالی ایالات متحده از دیدگاه صاحب‌نظران پرداخته و از تأثیرات بحران مالی مذکور بر وضعیت کنونی بخش‌های مختلف اقتصاد آمریکا سخن گرفته است. وی با تحلیل علل پیدایش بحران مالی

در اقتصاد سرمایه‌داری و به ویژه در ایالات متحده آمریکا، بیان می‌کند که اقتصاددانان بی‌ثباتی و بحران‌های اقتصادی را مباحث مربوط به سرمایه، پول، و اعتبار می‌دانند. دو مشخصه موجود در نظام مالی اقتصاد سرمایه‌داری علل اصلی کلیه بحران‌های قبلی و البته بحران کنونی را تشکیل می‌دهند. یکی از این دو مشخصه قراردادهای ثابت پولی، و مشخصه دیگر عملکرد سیستم بانکی مبتنی بر اصل ذخیره جزئی است. بروز بحران و سقوط اعتماد عمومی نسبت به سیستم بانکی در عمل به تعهداتش، موجب افزایش تقاضای نقدینگی می‌شود؛ ولی این تقاضا هرگز برآورده نخواهد شد. در نتیجه، مقدار پول کاهش یافته، ورشکستگی بانک‌ها را به دنبال خواهد داشت. کنترل پول در شرایطی که بانکداری بر مبنای اصل ذخیره جزئی عمل می‌کند، تقریباً غیرممکن است. بهترین اقدام برای مواجهه با بحران حرکت به سمت برقراری یک پول معتبر، و کاهش اعتبارات بانکی و افزایش مناسب حجم پول ملی است. از این طریق باید بدهی ملی کاهش، و اعتبار و دارایی ملی افزایش یابد. حرکت در این مسیر، مرحله به مرحله، ما را به مقدار بهینه پول که در شرایط نرخ بهره پولی صفر محقق خواهد شد، نزدیک‌تر می‌نماید. باید به سوی یک اقتصاد کاملاً پولی گام برداشت؛ از این‌رو، مهم‌ترین و تنها متغیری که باید در بلندمدت آن را کنترل، هدایت، و تنظیم نمود، پول است.

حقیقی، در مقاله‌ای با عنوان «بحران کبیر ۱۹۲۹» به چپستی بحران ۱۹۲۹ و چگونگی مهار آن پرداخته است. او رکود را در کشورهای مختلف از جمله آمریکا، بریتانیا، کبیر، آلمان، فرانسه و کانادا بررسی کرده و از تأثیر آن در کاهش تولید کالاهای صنعتی، GDP واقعی و شاخص قیمت عمده‌فروشی سخن گفته است. وی علت اصلی رکود بزرگ در ایالات متحده را کاهش در مخارج دانسته که منجر به کاهش در تولید کارخانه‌ها شده است. وی عوامل دیگری را نیز بر شمرده است که در کشورهای مختلف، رکود را تحت تأثیر قرار می‌دهند. این عوامل عبارت‌اند از: افت شدید قیمت‌های بازار سهام، بحران بانکی و انقباض پولی، نظام پایه طلا، تراز تجاری، تجارت و وام‌های بین‌المللی.

خادمعلی، در مقاله «بیمه سپرده و ضرورت ایجاد آن در سیستم بانکی کشور»، نخست با روش تحلیلی به بررسی جوانب گوناگون بیمه سپرده و نحوه عملکرد آن در بعضی از کشورها پرداخته و سپس تعیین حدود پوشش بیمه، مخاطرات رفتاری در تغییر حدود

پوشش بیمه، آثار منفی ناشی از به کارگیری بیمه سپرده در سیستم بانکی و زیرساخت‌های مورد نیاز برای استقرار سیستم بیمه سپرده‌ها را بررسی کرده است. او نتیجه‌گیری می‌کند که پیش شرط ضروری برای اعمال نظارت مؤثر بر سیستم بانکی، وجود سیاست‌های اقتصادی سالم و مستمر در سطح کلان و نیز زیر ساخت توسعه‌یافته عمومی و مناسب است. همچنین، وجود انضباط مؤثر در بازار، به کارگیری روش‌های اثربخش برای حل مشکل بانک‌ها، و استفاده از سازوکارهای ارائه حمایت‌های نسبی سیستماتیک (شبکه امنیت ملی) می‌تواند زمینه‌های لازم را برای استقرار بیمه سپرده‌ها فراهم کنند.

درخشان، در کتاب *ماهیت و علل بحران مالی ۲۰۰۸ و تأثیر آن بر اقتصاد ایران*، عوامل ایجادکننده بحران مالی ۲۰۰۸ را سیاست‌های دولت آمریکا در رونق کاذب بازار مسکن، وام‌های رهنی پرخطر، نوآوری‌های مالی در معاملات وام‌های رهنی، ضعف سیاست‌های پولی بانک مرکزی آمریکا و ضعف سیستم نظارتی در بازار مشتقات و وجود فسادهای مالی و اداری در بازار وام‌های رهنی دانسته و راهکارهای زیر را برای خروج از بحران پیشنهاد کرده است:

۱. بازسازی اعتماد در فعالان بازار کسب و کار و بازار سرمایه‌گذاری، به ویژه اعتمادسازی در جامعه مصرف‌کنندگان؛
۲. همکاری‌های نزدیک بین‌المللی به منظور تسهیل جریان وجو میان بانک‌های بین‌المللی؛
۳. اتخاذ سیاست‌های مالی به منظور ارتقای سطح تقاضای کل و اولویت بخشیدن به سیاست‌های ایجاد اشتغال در مقایسه با کنترل تورم؛
۴. توجه به رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه از طریق استمرار حمایت‌های مالی، فنی، و خدماتی؛
۵. توجه به حفظ ثبات اقتصادی در بازارهای بزرگ تولید و مصرف، مانند چین و هند؛
۶. برنامه‌ریزی‌های بلندمدت اقتصادی در سطوح ملی و بین‌المللی برای سامان‌دهی اقتصاد واقعی (بعد از رفع بحران اعتباری)؛
۷. نهادسازی‌های مناسب برای نظارت بر عملکرد نوآوری‌های مالی در بورس‌ها، به ویژه در بازار مشتقات.

دقیقی / اصل، فهمی‌فر و صیامی، در مطالعه خود با عنوان «بررسی علل بحران‌های مالی در جهان و راهکارهای برون‌رفت از آنها (مطالعه موردی شرق آسیا)»، دلایل ایجاد بحران‌ها را

ساختار نامناسب اقتصادی کشور یا منطقه‌ای می‌دانند که بحران از آنجا آغاز شده است؛ به ویژه در برخی از مؤلفه‌ها، مانند: کسری مزمن و بلندمدت تراز پرداخت‌ها، کسری بودجه بلندمدت دولت‌ها، و بازار سرمایه ناکارآمد و غیرشفاف. آنان، همچنین، اثرهای متغیر برونزای خارج از اقتصاد را که به سبب بازارهای مالی متشکل و ادغام می‌شوند و بحران را از کشور بحران‌زده به کشورهای دیگر سرایت می‌دهند، در ایجاد بحران برای کشورها و تشدید بحران‌ها مؤثر می‌دانند. البته، هر دو گروه عوامل، بر اهمیت ساختار مالی و اقتصادی کشورها و اثر آن بر تشدید بحران‌ها اتفاق نظر دارند.

۴. روش تحقیق

بانک‌ها از زمان ایجاد شان، سپرده‌های دیداری منتشر می‌کردند که ماهیت آنها، طلب مردم از بانک‌هاست؛ به طوری که وقتی مردم به بانک می‌کنند، بانک ملزم است آن را پرداخت کند. اقتصاددانان معتقدند: سپرده‌های دیداری وسیله‌ای است که بانک‌ها از طریق آن نقش‌شان را در تبدیل مطالبات غیرنقد به مطالبات نقد ایفا کرده و نقدینگی ایجاد می‌کنند. اگر بانک مبالغ سپرده‌های دیداری را وام ندهد یا صرف خرید اوراق بهادار نکند، در واقع بانک مانند یک صندوق‌دار عمل می‌کند و چنین بانکی هرگز در معرض هجوم بانکی قرار نمی‌گیرد.

بانک‌ها به تجربه دریافتند مردمی که در حساب‌های دیداری سپرده‌گذاری می‌کنند، برای دریافت موجودی حساب‌های خود به یک‌باره به بانک مراجعه نمی‌کنند؛ یعنی همواره یک مقداری از وجوه نزد بانک ر سوب می‌کند. پس، بانک می‌تواند تمام یا بخشی از این وجوه را وام بدهد و از محل وام دادن، درآمد کسب کند. این وام‌ها به علاوه بهره‌ای که به آن تعلق می‌گیرد، دوباره به بانک‌ها برمی‌گردد. در نتیجه، پولی ایجاد می‌شود که به آن اصطلاحاً «پول بانکی» گفته می‌شود. پس، خلق پول نتیجه عملیات وام‌دهی بانک‌های تجاری روی سپرده‌های دیداری است. اگر در یک لحظه‌ای از زمان سپرده‌گذاران برای برداشت سپرده‌های خود به بانک مراجعه کنند، بانک موجودی کافی نخواهد داشت؛ زیرا مقداری از این وجوه را چندین بار وام داده است و از این‌رو، بانک‌ها ممکن است به سمت ورشکستگی پیش بروند. بنابراین، دولت بانک‌ها را ملزم می‌کند که بخشی از سپرده‌های دریافت شده خود را تحت عنوان نسبت ذخیره قانونی نزد بانک مرکزی نگه دارند و مابقی را وام دهند.

بانک اساساً بر مبنای سازوکار خلق پول استوار است که نسبت ذخیره قانونی می‌تواند خلق پول بانکی در آن را کنترل نماید. نکته ظریفی که در این خصوص وجود دارد این است که تفاوت زیادی بین یک وام بانکی و یک وام غیربانکی وجود دارد: هنگامی که شخص یا مؤسسه‌ای غیر از بانک وام می‌دهد، در واقع بخشی از قدرت خرید خود را به وام‌گیرنده منتقل می‌کند، لذا تقاضای کل تغییر نمی‌کند. اما هنگامی که بانک وام می‌دهد، یک قدرت خرید اضافه تولید می‌شود. زیرا از یک طرف وام‌گیرنده به محض اینکه وام را هزینه نمود، مبلغ وام، در قالب سپرده جدید به بانک برگشت و مقدمه پرداخت وام دیگری فراهم می‌شود و این دور تا جایی ادامه خواهد یافت که کل ذخیره پولی اولیه (ذخیره قانونی) در بانک تکمیل شود.

از طرف دیگر، مضاف بر فرایند فوق، بانک با خلق پول از هیچ به این موضوع دامن می‌زند. لذا از سویی وام‌های بانکی تقاضای کل را در اقتصاد افزایش می‌دهند و از سوی دیگر، تأییدیه آنها موجب قبض نقدینگی خواهد شد. به عبارت دیگر، بانک با خلق وام و اعتبار، موجب قبض و بسط نقدینگی می‌شود که بستری به وجود آوردن شرایط بحران مالی است. در این مقاله، بر مبنای چنین بستری، به آن مرحله از بحران بانکی پرداخته می‌شود که با هجوم سپرده‌گذاران برای برداشت وجوه سپرده خود ظاهر می‌شود.

بر اساس مقاله پایه‌ای *دایموند* و *دیویگ* که در آن، چگونگی جذب سپرده‌ها توسط واسطه‌های مالی، با توجه به اینکه سپرده‌ها همواره در معرض هجوم‌های بانکی قرار دارند، توضیح داده شده است، در این بخش، قراردادهایی که بانک‌ها برای جلوگیری و یا به تأخیر انداختن هجوم‌های بانکی می‌توانند استفاده کنند، بررسی می‌شود.

برای تحلیل در مورد راه‌های جلوگیری از هجوم‌ها، الگویی ارائه می‌شود که بر اساس آن، سپرده‌گذاران بر دو نوع تقسیم‌بندی می‌شوند تا سپرده‌گذارانی که زودتر برداشت می‌کنند از آنهایی که سپرده‌های خود را نگهداری می‌کنند، تفکیک شوند و رفتار سپرده‌گذاران مختلف مورد بررسی قرار گیرد.

الگویی که در این پژوهش مورد بررسی قرار می‌گیرد، دارای فروض ذیل است:

الف) ۳ زمان در نظر گرفته می‌شود ($T=0,1,2$).

ب) فقط یک کالای همگن وجود دارد.

پ) تابع مطلوبیت با ریسک‌گریزی نسبی ثابت در نظر گرفته می‌شود که به صورت ذیل می‌باشد:

$$u(c) = \frac{c^{1-\rho}}{1-\rho} \quad (1)$$

در این رابطه، ρ ضریب ریسک‌گریزی نسبی است و برابر است با

$$\rho = -\frac{u''(c)c}{u'(c)} > 1$$

ت) عامل‌ها یا فعالین اقتصادی دو نوع هستند: عامل نوع ۱ که به مصرف در زمان ۱ نیاز دارد و عامل نوع ۲ که به مصرف در زمان ۲ نیاز دارد. همه این عامل‌ها در زمان صفر یکسان هستند و هر یک با ریسک از نوع ۱ یا نوع ۲ بودن مواجه هستند. در زمان ۱ برای خود هر عامل مشخص می‌شود که از چه نوعی است (که اطلاعاتی شخصی است، یعنی هر عامل فقط خودش از نوع خود آگاهی دارد). اگرچه نوع هر عامل، اطلاعاتی شخصی است، اما فرض می‌شود با احتمال t درصد عامل از نوع ۱ و با احتمال $1-t$ درصد عامل از نوع ۲ باشد.

ث) در ابتدای زمان ۱، عامل‌ها با شوک نقدینگی مواجه می‌شوند که نوعشان را مشخص می‌کند. اگر در زمان ۱، عامل با شوک نقدینگی مواجه شود و نیاز به مصرف در زمان ۱ پیدا کند، از نوع ۱ خواهد بود؛ اما اگر در زمان ۲، با شوک نقدینگی مواجه شود، عامل از نوع ۲ خواهد بود. بنابراین، مطلوبیت حاصل از مصرف، به نوع عامل‌ها بستگی دارد. تابع مطلوبیت به صورت زیر می‌باشد:

$$U(c_1, c_2) = \begin{cases} u(c_1) \\ \beta u(c_1 + c_2) \end{cases} \quad (2)$$

مطلوبیت عامل نوع ۲ تابعی از $c_1 + c_2$ است؛ چون عامل نوع ۲، به غیر از کالایی را که در زمان ۲ به دست می‌آورد، هر کالایی را که در زمان ۱ انبار کرده نیز در زمان ۲ مصرف خواهد کرد. فرض می‌شود عامل‌ها قادرند کالای مصرفی را بدون هیچ هزینه‌ای انبار کنند. همچنین، تابع مطلوبیت برای هر عامل یکسان است؛ اما تاریخی که عامل‌ها مایل‌اند مصرف کنند به نوعشان بستگی دارد.

ابتدا شرایط رقابتی در نظر گرفته می‌شود. در شرایط رقابتی، عامل‌های اقتصادی مستقیماً دارایی‌های خود را که نقدینگی کمی دارند، نگه می‌دارند و در بانک سپرده‌گذاری نمی‌کنند. همه عامل‌ها اطلاعات کامل دارند و دارایی‌هایشان را در تولید سرمایه‌گذاری می‌کنند و تکنولوژی که عامل‌ها به آن دسترسی دارند، برای همه یکسان است.

هریک از عامل‌ها، یک واحد سرمایه دارند که آن را در تکنولوژی تولید به کار می‌گیرند. تکنولوژی تولید، دارای بازدهی R_2 در زمان ۲ است؛ یعنی یک واحد سرمایه را به $R_2 > 1$ واحد محصول تبدیل می‌کند. اما اگر تولید در زمان ۱ متوقف شود، در آن صورت، بازدهی ۱ واحد محصول خواهد بود.

$\{c_k^{i*}\}$ مصرف بهینه عامل i در زمان k می‌باشد که در این قیدها صدق می‌کند:

$$c_1^{2*} = c_2^{1*} = 0 \quad (3)$$

یعنی آنهایی که می‌توانند مصرف را به تأخیر بیندازند.

(۴)

$$\frac{u'(c_1^{1*})}{u'(c_2^{2*})} = \frac{\beta}{1/R_2} \Rightarrow u'(c_1^{1*}) = \beta R_2 u'(c_2^{2*})$$

یعنی مطلوبیت نهایی هم‌راستا با سود نهایی است.

$$tc_1^{1*} + [(1-t)c_2^{2*} / R_2] = 1 \quad (5)$$

که قید منابع را نشان می‌دهد.

از آنجا که سرمایه‌گذار نوع ۱ نیاز به مصرف در زمان ۱ دارد، واضح است که $c_1^{2*} = 0$ است؛ همچنین، از طریق حداکثرسازی مصرف سرمایه‌گذار نوع ۲، ثابت می‌شود برای سرمایه‌گذار نوع ۲ $c_2^{1*} = 0$ است.

مصرف بهینه سرمایه‌گذار نوع ۲ از حل مسئله زیر به دست می‌آید:

$$\begin{aligned} \max \quad & \beta u(c_1^2 + c_2^2) \\ \text{s.t.} \quad & c_2^2 = R_2(1 - c_1^2) \\ & c_1^2, c_2^2 \geq 0 \end{aligned} \quad (6)$$

$$L(c_1^2, c_2^2, \mu) = \beta u(c_1^2 + c_2^2) + \mu \{R_2(1 - c_1^2) - c_2^2\}$$

شرط مرتبه اول بهینه‌سازی:

$$\frac{\delta L}{\delta c_1^2} = \beta u'(c_1^2 + c_2^2) - \mu R_2 \leq 0$$

$$\frac{\delta L}{\delta c_2^2} = \beta u'(c_1^2 + c_2^2) - \mu \leq 0$$

$$\frac{\delta L}{\delta \mu} = R_2(1 - c_1^2) - c_2^2 = 0$$

طبق شرط مرتبه اول، سود نهایی c_1^2 و c_2^2 مشابه است و برابر است با $\beta u'(c_1^2 + c_2^2)$. اما هزینه نهایی c_1^2 برابر با μR_2 و هزینه نهایی c_2^2 برابر با μ است و از آنجا که $\mu R_2 >$ است، بنابراین $c_1^{2*} = 0$ است. اگر $c_1^{2*} = 0$ را در جمله سوم قرار دهیم، $c_2^2 = R_2$ و $c_1^1 = 1$ می‌باشد و مطلوبیت مورد انتظار سرمایه‌گذار برابر است با:

$$tu(c_1^1) + (1-t)\beta u(c_1^2 + c_2^2) = tu(1) + (1-t)u(R_2) \quad (7)$$

نتیجه گرفته می‌شود که در شرایط رقابتی سطوح مصرف $c_1^1 = 1$ و $c_2^2 = R_2$ به دست می‌آید. بنابراین، فضایی برای بهبود محصول در بازار رقابتی وجود دارد تا سطوح مصرف $c_1^{1*} > 1$ و $c_2^{2*} <$ به دست آید که این بهبود، توسط بانک‌ها فراهم می‌شود و بانک‌هایی که سپرده ديداری ایجاد می‌کنند، از طریق ارائه تسهیم ریسک، شرایط خوبی را برای سپرده‌گذاران فراهم می‌کنند. بانک‌ها تضمین می‌کنند که عامل‌ها از طریق سپرده‌گذاری در بانک می‌توانند مطلوبیت مورد انتظار بیشتری را نسبت به شرایط رقابتی به دست آورند.

فرض می‌شود که به ازای یک واحد سپرده‌گذاری در زمان صفر، بانک تعهد می‌کند برای کسانی که در $T=1$ برداشت می‌کنند $R_1 = 1+r$ را پرداخت کند و برای کسانی که در $T=2$ برداشت می‌کنند، $R_2 = 1+R$ را پرداخت کند.

از طریق بهینه‌سازی مطلوبیت سپرده‌گذاران، ویژگی کامل قرارداد بهینه‌ای که بانک‌ها فراهم می‌کنند، به صورت $1 < c_1^1 < c_2^2 < R_2$ به دست می‌آید.

$$\begin{aligned} \max \quad & tu(c_1^1) + (1-t)\beta u(c_1^2 + c_2^2) \\ \text{s.t.} \quad & (1-t)c_2^2 = R_2[1 - (tc_1^1 + (1-t)c_1^2)] \\ & c_1^1, c_1^2, c_2^2 \geq 0 \end{aligned} \quad (8)$$

اما قرارداد معمول سپرده دیداری که توسط بانک‌ها فراهم می‌شود، تعادل نامطلوب هجوم بانکی را خواهد داشت؛ زیرا سپرده‌گذاران وقتی به هر دلیل نگران بشوند، سپرده خود را برداشت خواهند کرد. در نتیجه، هجوم‌های بانکی موجب مشکلات واقعی اقتصادی می‌شوند؛ چون حتی بانک‌های معتبر و سالم که فقط با کمبود نقدینگی مواجه شده‌اند، در معرض ورشکستگی قرار خواهند گرفت و وام‌های خود را بازخوانی خواهند کرد. و از آنجا که ویژگی مهم هجوم‌ها، هزینه‌بر بودن آنهاست و رفاه اجتماعی را از طریق توقف تولید، کاهش می‌دهند؛ بنابراین، مسئله هجوم بانکی بسیار مهم می‌باشد.

با توجه به این توضیحات، در مقاله حاضر، چارچوبی معرفی می‌شود که بر اساس آن، می‌توان به تحلیل‌های گوناگونی در مورد راه‌های جلوگیری و یا به تأخیرانداختن هجوم‌ها پرداخت.

به عنوان یکی از راه‌های جلوگیری و یا به تأخیرانداختن هجوم‌ها، قرارداد بهینه بیمه‌ای بررسی می‌شود که به سپرده‌گذاران نوع اول اجازه خواهد داد سپرده خود را بیمه کنند. برای نشان دادن اینکه چطور بانک‌ها این بیمه سپرده را برای سپرده‌گذاران فراهم می‌کنند، ابتدا قرارداد معمول سپرده دیداری بررسی می‌شود که این قرارداد به خاطر استفاده فراگیرش توسط بانک‌ها دارای اهمیت خاصی است.

قرارداد معمول سپرده دیداری

قراردادی است که طبق آن، بانک از سپرده‌گذاران سپرده دریافت می‌کند و متعهد می‌شود که در صورت مراجعه سپرده‌گذاران به بانک، مبلغ سپرده را به آنان پرداخت می‌کند. این قرارداد به هر سپرده‌گذار در حال برداشت در زمان ۱، مقدار ثابت R_1 را به ازای هر واحد سپرده‌گذاری شده در زمان صفر می‌دهد. قرارداد سپرده دیداری، دارای شرط ارائه خدمات

به صورت نوبتی است و کسانی که برای برداشت از موجودی حساب‌های دیداری زودتر مراجعه می‌کنند، زودتر نیز برداشت می‌کنند. برداشت‌ها تا زمانی که دارایی‌های بانک تمام شود، به صورت مداوم و تصادفی انجام صورت می‌گیرد. اجزای قرارداد به شرح ذیل است:

$$W_1(e_j, R_1) = \begin{cases} R_1 & \text{if } e_j < R_1^{-1} \\ 0 & \text{if } e_j \geq R_1^{-1} \end{cases} \quad (9)$$

در این رابطه، W_1 بازدهی هر واحد سپرده برداشت‌شده در زمان ۱، و e_j درصدی از سپرده‌هاست که به افرادی که قبل از سپرده‌گذار J ام به بانک مراجعه کرده‌اند، عرضه شده است. این رابطه بیان می‌کند که در زمان ۱ وقتی موجودی صندوق بانک تمام نشده باشد و کل مبالغی که سپرده‌گذاران قبل از سپرده‌گذار J ام دریافت کرده‌اند کمتر از موجودی صندوق بانک باشد، سپرده‌گذار J ام، R_1 را دریافت می‌کند.

$$W_2(e, R_1) = \max \{R_2(1-eR_1)/(1-e), 0\} \quad (10)$$

در رابطه فوق، W_2 بازدهی هر واحد سپرده برداشت‌نشده در زمان ۲، و e درصدی از سپرده‌هاست که در زمان ۱ برداشت شده‌اند. این رابطه بیان می‌کند که در صورت تمام نشدن منابع بانک، در زمان ۲ حداکثر تا $R_2(1-eR_1)/(1-e)$ به سپرده‌گذاران پرداخت خواهد شد.

چون نقش اصلی بانک‌ها این است که دارایی‌های غیرنقد ($R_1 = 1, R_2 = 2$) را از طریق ارائه وام‌هایی که بازدهی‌های مختلفی در طول زمان دارند (یعنی R_1 را در زمان ۱ و R_2 را در دوره ۲ به سپرده‌گذاران می‌دهد)، به دارایی‌های نقد ($R_1 > 1$) تبدیل کنند، بانک‌هایی که سپرده دیداری ایجاد کرده‌اند همواره در معرض هجوم‌های بانکی قرار دارند. علت این است که اگر $R_1 = 1$ باشد، ریسک و بازدهی سپرده‌ها کم‌ترین مقدار خواهد بود؛ اما چون افراد به دنبال بازدهی بیشتر هستند، برای دارایی‌های نقد که ریسک بیشتری دارند و بازدهی آن‌ها $R_1 > 1$ است، تقاضا می‌کنند و بانک نیز تعهد می‌کند که این مقدار بازدهی را به عامل‌هایی که خواهان مصرف در زمان ۱ می‌باشند، پرداخت کند و چون

برای همه $R_1 > 1$ ها، تعادل هجوم بانکی وجود دارد، در نتیجه سپرده‌گذاری‌ها همیشه در معرض هجوم قرار دارند.

در واقع، اگر بانک‌هایی که وام داده‌اند بتوانند اعتبار خود را حفظ کنند و اعتماد سپرده‌گذاران به این بانک‌ها از بین نرود، این قراردادهای بانکی کارا خواهند بود؛ اما در صورتی که سپرده‌گذاران وحشت‌زده شوند، اعتبار بانک از بین خواهد رفت و هجوم اتفاق می‌افتد و در صورت هجوم سپرده‌گذاران، بانک‌ها بایستی کل دارایی‌های خود را به پول نقد تبدیل کنند تا به سپرده‌گذارانی که قصد برداشت سپرده‌هایشان را دارند پرداخت کنند، حتی اگر همه سپرده‌گذاران برداشت نکنند. در قسمت بعد، تعادل نامطلوب هجوم بانکی بررسی می‌شود.

۱

۹

هجوم بانکی

همان‌طور که توضیح داده شد، تعادل خوب زمانی است که فقط سپرده‌گذاران نوع اول در زمان ۱ برداشت کنند $C_1 = R_1$ باشد. در مقابل، تعادل دیگر مبتنی بر هجوم بانکی است؛ به این معنا که در شرایط هجوم بانکی، چون ارزش اسمی سپرده‌ها بزرگتر از ارزش نقدشوندگی دارایی‌های بانکی است، در نتیجه بانک‌ها نسبت به هجوم‌ها آسیب‌پذیر می‌باشند. اگر این تعادل هجوم بانکی پیش‌بینی شده باشد، همه سپرده‌گذاران دچار وحشت می‌شوند و ترجیح خواهند داد که در $T = 1$ برداشت کنند.

تعادل هجوم بانکی تسهیم ریسک بین سپرده‌گذاران را برهم می‌زند و کارایی تولید را کاهش می‌دهد، زیرا همه فرایند تولید در $T = 1$ متوقف می‌شود؛ در حالی که برای برخی از سپرده‌گذاران، ادامه دادن تا $T = 2$ امکان‌پذیر است. اگر نتایج با پیش‌بینی‌ها یکسان باشند، هیچ کس با پیش‌بینی هجوم بانکی سپرده‌گذاری نمی‌کند؛ چون هجوم بانکی یک تعادل پست است. اما به شرطی که احتمال هجوم کم باشد، سپرده‌گذاران همواره قسمتی از دارایی‌هایشان را حتی اگر احتمال هجوم را پیش‌بینی کنند، در بانک سپرده‌گذاری می‌کنند؛ چون سپرده‌گذاری در بانک پاداش بهره را به همراه دارد و اگر مسئله ورشکستگی مطرح نباشد، گذاشتن وجوه به صورت سپرده دیداری در بانک بهتر از نگهداری مستقیم دارایی‌هاست. میزان این سرمایه‌گذاری بستگی به بعضی از متغیرهای تصادفی رایج در اقتصاد دارد؛ مانند: گزارش بد در مورد درآمدها و هجوم مشاهده‌شده در بانک‌های دیگر

(این متغیرها لزوماً بیانگر شرایط بانکی نیستند). مسئله این است که وقتی سپرده‌گذاران، سپرده‌گذاری کردند، هر چیزی که باعث شود سپرده‌گذاران یک هجوم را پیش‌بینی کنند، منجر به هجوم خواهد شد. بنابراین، بانک‌ها بایستی نگران حفظ اعتماد سپرده‌گذاران باشند و برای حفظ اعتبار بانک، اقداماتی را انجام دهند.

قرارداد وقفه در قابلیت تبدیل سپرده

یکی از اقدامات بانک‌ها برای حفظ اعتماد سپرده‌گذاران، قرارداد وقفه در قابلیت تبدیل سپرده است که به رفع کردن مشکل هجوم‌ها کمک می‌کند. طبق این قرارداد، زمانی که ارزش اسمی برداشت‌ها (t)، معین و غیرتصادفی است، اگر در $T = 1$ برداشت‌ها زیاد باشد، ایجاد وقفه از طریق حذف انگیزه‌های سپرده‌گذاران نوع ۲ برای زودتر برداشت کردن، از هجوم‌ها جلوگیری می‌کند.

در این قرارداد، مقدار t ثابت با e_j نشان داده می‌شود و بانک‌ها تعیین می‌کنند که اگر طی زمان ۱، درصد از سپرده‌ها برداشت شود، سپرده‌گذاران دیگر چیزی دریافت نخواهند کرد و وقفه در قابلیت تبدیل ایجاد می‌شود. اجزای قرارداد به صورت زیر می‌باشد:

$$W_1(e_j, R_1) = \begin{cases} R_1 & \text{if } e_j < e^* \\ 0 & \text{if } e_j \geq e^* \end{cases} \quad (11)$$

یعنی تنها در صورتی که مقدار سپرده‌های عرضه شده به افرادی که قبل از سپرده‌گذار نوع j به بانک مراجعه کرده‌اند، کمتر از e^* باشد، بانک به سپرده‌گذار، R_1 را پرداخت می‌کند در غیر این صورت، وقفه ایجاد می‌شود. و بازدهی در زمان ۲، به صورت زیر خواهد بود:

$$W_2(e, R_1) = \max \{ (1 - eR_1)R_2 / (1 - e), (1 - e^*R_1)R_2 / (1 - e^*) \} \quad (12)$$

در این معادله، فرض می‌شود $1 - e^*R_1 > 0$ است. این معادله بیان می‌کند که اگر وقفه ایجاد نشود، سپرده‌گذاران مقدار $R_2 = (1 - eR_1) / (1 - e)$ را دریافت می‌کنند؛ اما اگر $e_j > e^*$ شود و وقفه ایجاد شود، سپرده‌گذاران $R_2 = (1 - e^*R_1) / (1 + R) / (1 - e^*)$ را دریافت می‌کنند.

در قرارداد وقفه در قابلیت تبدیل، تعادل به این صورت است که اگر به‌ازای هر e^* ، تساوی $R_1 = c_1^*$ برقرار باشد، سپرده‌گذار نوع ۲ در زمان ۱ برداشت نخواهد کرد؛ چون در زمان دوم، بازدهی بیشتری را دریافت می‌کند. و همه سپرده‌گذاران نوع ۱ در زمان ۱ برداشت می‌کنند؛ در نتیجه یک استراتژی غالب تعادل نش حاصل می‌شود. این قرارداد، فقط زمان که ارزش اسمی برداشت‌ها معین و غیرتصادفی است، کاربرد دارد. و تعادلی که به دست می‌آید، تعادلی پایدار است و تسهیم ریسک بهینه را نشان می‌دهد.

زمانی که ارزش اسمی برداشت‌ها تصادفی است، به جای t ثابت، متغیر تصادفی \tilde{t} وارد الگو می‌شود. که با معلوم بودن \tilde{t} ، سطوح بهینه مصرف به دست می‌آید که این سطوح بهینه مصرف برای همه سپرده‌گذاران هم نوع برابر است و بستگی به مقدار \tilde{t} دارد.

البته، وقتی t تصادفی است، قرارداد وقفه در قابلیت تبدیل نمی‌تواند اطلاعات کامل بهینه را فراهم کند؛ با این حال، وقفه از طریق جلوگیری از هجوم‌ها می‌تواند بهبود ایجاد کند. اما اگر وضعیت تعادل وقفه در قابلیت تبدیل ایجاد شود، تعدادی از سپرده‌گذاران نوع اول که نیاز به برداشت در زمان ۱ دارند، نمی‌توانند برداشت کنند و از این رو، قرارداد کارا نیست. بنابراین، تهدید وقفه می‌تواند از هجوم‌ها جلوگیری کند، اما تسهیم ریسک بهینه را نمی‌دهد.

در واقع اگرچه وقفه‌ها برای هجوم‌های کوتاه مدّت مناسب می‌باشند، اما برای آنهایی که وقفه‌ها را پیش‌بینی کرده‌اند قراردادهای بیمه‌نشده بانکی نمی‌توانند تسهیم ریسک اطلاعات کامل بهینه را نشان دهند و این قراردادها در معرض هجوم‌ها هستند؛ بنابراین، راه حلّ راضی‌کننده‌ای نمی‌باشند. در نتیجه، راه حلّ دیگر یعنی بیمه سپرده معرفی می‌شود.

بیمه سپرده

روش دیگر برای متوقف کردن و جلوگیری از هجوم‌ها، بیمه سپرده است. بیمه سپرده ضمانت می‌کند بازدهی مورد انتظار برای همه کسانی که قصد برداشت سپرده‌هایشان را دارند، پرداخت خواهد شد؛ بدون توجه به اینکه چه تعداد از سپرده‌گذاران اقدام به برداشت کرده‌اند. البته مقداری که در این قرارداد تضمین می‌شود، محدود می‌باشد. دولت برای تأمین مالی این مقدار تضمین شده از منابع خارجی استفاده، و مالیات‌های واقعی وضع می‌کند تا بیمه سپرده مقبول واقع شود.

فرض می‌شود که دولت می‌تواند هر مقدار مالیاتی را وضع کند. پس، دولت برای تأمین مالی مقدار تضمین‌شده در قرارداد بیمه سپرده، بر افرادی که در زمان ۱ زود برداشت می‌کنند، مالیات وضع می‌کند. مقدار مالیات به مقدار برداشت سپرده‌ها در زمان ۱ و مقدار R_1 بستگی دارد. اگر دولت مالیات بهینه‌ای را برای تأمین مالی بیمه سپرده وضع کند، قراردادهای بیمه سپرده دولتی به بهینه غیرمقید به صورت یک تعادل استراتژی نش دست می‌یابند.

اجزای قرارداد به صورت زیر می‌باشد:

$$\phi(e) = \begin{cases} 1 - [c_1^*(e)/R_1] & \text{if } e < \bar{t} \\ 1 - R_1^{-1} & \text{if } e > \bar{t} \end{cases} \quad (13)$$

در این رابطه، ϕ مقدار مالیاتی است که دولت وضع می‌کند. همچنین، \bar{t} بیشترین مقدار ممکن \bar{t} (مقدار واقعی ارزش اسمی برداشت‌ها) می‌باشد. اگر در زمان ۱ فقط سپرده‌گذاران نوع اول برداشت کنند، $c_1^* = R_1$ است و $\phi(e) = 0$ خواهد بود؛ اما اگر تعداد اندکی از سپرده‌گذاران نوع دوم در زمان ۱ برداشت کنند، $c_1^* < R_1$ است و بر آنها $[c_1^*(e)/R_1] - 1$ مالیات وضع می‌شود. اما اگر تعداد سپرده‌گذارانی که در دوره ۱ برداشت می‌کنند از بیشترین مقدار ممکن \bar{t} بیشتر باشد، در واقع هجوم اتفاق افتاده است و $c_1^* = 1$ است و به میزان $\phi(e) = 1 - \frac{1}{R_1}$ باید مالیات پردازد.

$$\hat{W}_1(e) = \begin{cases} c_1^*(e) & \text{if } e \leq \bar{t} \\ 1 & \text{if } e > \bar{t} \end{cases} \quad (14)$$

$$\hat{W}_2(e) = \begin{cases} R_2 \{1 - [c_1^*(e) e]\} / (1 - e) = c_2^*(e) & \text{if } e \leq \bar{t} \\ R_2(1 - e) / (1 - e) = R_2 & \text{if } e > \bar{t} \end{cases} \quad (15)$$

در این روابط، \widehat{W}_1 بازدهی بعد از مالیات سپرده‌گذار نوع ۱ در زمان ۱ به ازای هر واحد سپرده اولیه، و \widehat{W}_2 بازدهی بعد از مالیات سپرده‌گذار نوع ۲ در زمان ۲ به ازای هر واحد سپرده اولیه است.

در روابط (۱۷-۳) و (۱۸-۳)، $\widehat{W}_1(e) < \widehat{W}_2(e)$ است؛ در نتیجه، سپرده‌گذاران نوع ۲ در زمان ۱ برداشت نخواهند کرد و همچنین $\widehat{W}_1(e) > 0$ است، یعنی همه سپرده‌گذاران نوع ۱ در دوره ۱ برداشت خواهند کرد. با \hat{t} مشخص، تعادل $e = t$ ، تعادل استراتژی برتر است و تساوی‌های ذیل با تامین شرط بهینگی برقرار می‌شود:

$$\widehat{W}_1(e = t) = c_1^{1*}(t) \quad (۱۶)$$

$$\widehat{W}_2(e = t) = [1 - tc_1^{1*}(t)]R_2 / (1 - t) = c_2^{2*} \quad (۱۷)$$

بیمه سپرده ضمانت می‌کند که سپرده‌گذاران نوع ۲ هرگز در هجوم شرکت نخواهند کرد و دولت در فراهم کردن بیمه سپرده دولتی برتری دارد؛ چون شرکت‌های بیمه، علاوه بر تامین وجوه ضمانت شده بیمه سپرده، باید ذخایری را برای معتبر کردن تعهدهایشان داشته باشند. در حقیقت، به دلیل اینکه دولت برخلاف شرکت‌های خصوصی می‌تواند مالیات وضع کند و نیازی به نگه‌داشتن ذخایری به‌عنوان پشتوانه تعهدات خود ندارد، بنابراین بیمه سپرده دولتی نسبت به بیمه سپرده شخصی برتری دارد.

قانون بیمه سپرده دولت را به بیمه کردن بانک‌ها متعهد می‌کند که این ویژگی نسبت به سیاست‌های اختیاری دیگر، مانند وقفه در قابلیت تبدیل، دارای مزیت می‌باشد.

وام دادن بانک مرکزی

سیاست اختیاری دیگر برای جلوگیری از هجوم‌ها و جلوگیری بانک‌ها از نقد کردن دارایی‌های غیرنقد، وام‌دادن بانک مرکزی است. در این سیاست، بانک مرکزی برای کنترل نظام بانکی به عنوان آخرین مرجع وام‌دهنده عمل می‌کند و در صورتی که بانک‌ها با کمبود نقدشوندگی مواجه شوند، به بانک‌ها وام می‌دهد. البته، هزینه گرفتن وام از بانک مرکزی بالاست تا شرایطی برای تصمیم‌گیری بانک‌ها پیش آید که آنها فقط در صورت مواجه شدن با بحران و عدم توانایی تامین مالی از بازار، به بانک مرکزی روی آورند. بانک مرکزی برای تامین مالی از قدرت خلق پول و قدرت مالیات‌گذاری خود استفاده می‌کند.

اگر قرار باشد آخرین مرجع وام‌دهنده همیشه بانک‌ها را از مشکلات نقدشوندگی نجات دهد، پس بانک‌ها انگیزه‌های انحرافی برای قبول ریسک خواهند داشت. برای مثال، اگر این پیش‌بینی وجود داشته باشد که بانک مرکزی در صورت کمبود نقدشوندگی، بانک‌ها را نجات می‌دهد، همه بانک‌ها انگیزه پیدا خواهند کرد که ریسک نرخ بهره‌ای را که به خاطر عدم تطابق سررسیدهای دارایی‌ها و بدهی‌ها به وجود می‌آید، متقبل شوند؛ زیرا امکان نجات هم‌زمان همه بانک‌ها وجود دارد. اما اگر آخرین مرجع وام‌دهنده تعهدی نداشته باشد که بانک‌ها را نجات دهد، در پاسخ به تغییر در انتظارات سپرده‌گذاران درباره اعتبار بانک‌ها، ممکن است هجوم بانکی رخ دهد یا حتی ممکن است این هجوم در پاسخ به تغییر در انتظارات درباره رغبت آخرین مرجع وام‌دهنده برای نجات بانک‌های در حال ورشکستگی رخ دهد.

لذا بیمه سپرده دولتی یک تعهد الزام‌آور است که در صورت ورشکستگی بانک، می‌تواند مانع مجازات مالکان، هیئت‌مدیره، و کارمندان بانک شود.

بانکداری اسلامی و مشکل هجوم بانکی

برای تطبیق بحث هجوم بانکی بر بانکداری اسلامی، با چند سؤال عمده مواجه‌ایم: اول، آیا مسئله هجوم بانکی در بانکداری اسلامی نیز بروز می‌کند؟ دوم، آیا روش‌های سه‌گانه مواجهه با هجوم بانکی در بانکداری اسلامی نیز قابل استفاده است؟ سوم، آیا روش‌های دیگری در قالب بانکداری اسلامی برای مواجهه با هجوم بانکی قابل تصور است؟

در صنعت متداول بانکداری اسلامی، اگر چارچوب عملیات بانکداری مبتنی بر ایجاد تعهداتی فراتر از توانایی آن‌ها در بازپرداخت سپرده‌ها نباشد، اصولاً موضوع هجوم بانکی به شیوه متعارف برای بانکداری اسلامی موضوعیت نخواهد داشت. اما از آن جا که قراردادی که طبق آن، مشتری در بانک سپرده‌گذاری می‌کند، مشتمل بر سپرده‌گذاری جاری و سپرده‌گذاری غیرجاری، در حالت اولیه و غیر مقید خود، به سپرده‌گذار اجازه می‌دهد که بنا به تشخیص خود، وجوه سپرده‌گذاری شده را به یکباره برداشت کند، این امکان وجود دارد که وجوه برداشت شده سپرده‌گذاران هماهنگ و به یکباره صورت گیرد. لذا به طور معمول و در قالب ساختار عام نظام فعلی بانکداری اسلامی، پدیده هجوم بانکی موضوعیت دارد. البته با لحاظ کردن ساختار انگیزش‌های سپرده‌گذاران در نظام بانکداری اسلامی که

تلفیقی از معنویت‌گرایی، خیرخواهی برای دیگران، و کسب سود است، انتظار می‌رود که در صورت حفظ ارتباط روانی سپرده‌گذاران با بانک، این پدیده به طور مقایسه‌ای برای نظام بانکداری اسلامی کمتر از نظام بانکداری متعارف ربوی مطرح باشد.

لازم به ذکر است، بانک‌های اسلامی می‌توانند موضوع اخذ تعهدات اخلاقی از مشتریان سپرده‌گذار در خصوص به یکباره و به طور هماهنگ برداشت نکردن وجوه سپرده‌گذاری شده خود را با نوعی فرهنگ‌سازی شفاف نمایند.

اگر بانک‌های اسلامی وجوه سپرده‌گذاری سپرده‌گذاران را بر مبنای قراردادهای مجدد (دوبل) وکالت و یا مضاربه تضمین نمایند و از سایر روش‌های مقابله با هجوم بانکی نیز استفاده نکنند، امکان روبه‌رو شدن آنها با خطر هجوم بانکی منتفی نیست؛ زیرا در حالت ابتدایی، امکان دارد سپرده‌گذاران بر مبنای انتظارات و تحلیل‌های به طور هماهنگ و در مقیاس وسیع خود اقدام به برداشت وجوه سپرده‌گذاری شده از بانک نمایند.

به نظر می‌رسد که هر سه راه مقابله با هجوم بانکی مشتمل بر قرارداد وقفه در قابلیت تبدیل سپرده، بیمه‌سپرده‌ها، و وام بانکی (با رجوع به بانک مرکزی) در نظام فعلی بانکداری اسلامی قابل استفاده است؛ زیرا بانک اسلامی می‌تواند در قالب یک قرارداد یا ضمن عقد دریافت سپرده، مشتریان را متناسب با الگوی پیش‌بینی شده خود متعهد به تأخیر در برداشت سپرده نماید. الگوی فوق بر مبنای مطالعات آماری و شبیه‌سازی رفتار سپرده‌گذاران در شرایط بحران طراحی می‌شود.

در صورتی که بانک اسلامی در زمان دریافت سپرده، متعهد به بیمه وجوه سپرده‌گذاری شده باشد، در شرایط شفافیت اطلاعاتی و با فرض ثابت بودن بقیه شرایط، خود به خود از مزیت در جذب سپرده در مقایسه با بانک‌هایی که این تأمین را فراهم نکرده‌اند، برخوردار خواهد شد که منافع حاصل از این مزیت در مقابل هزینه تأمین بیمه‌ای قابل تحلیل است.

امکان استفاده از وام بانکی از بانک مرکزی جهت بانک‌های دولتی به عنوان روزه نهایی برای مقابله با هجوم بانکی علی‌القاعده باید در نظام بانکداری اسلامی و در قانون پولی و بانکی کشور آورده شود که در قانون فعلی نسبت به آن تصریحی صورت نگرفته است، اما می‌توان آن را با لحاظ حقوق سپرده‌گذاران و مردم به عنوان یکی از موضوعات لازم در قانون آینده پولی و بانکی کشور در نظر گرفت.

در نظام بانکداری اسلامی، می‌توان علاوه بر راه‌های قبلاً پیشنهاد شده، بر مبنای تکیه بر مؤلفه‌های احساس معنوی، تعهد و مسئولیت مشتریان سپرده‌گذار و بانک، قراردادهایی با محتوای تعاون و تکافل بین بانک و مشتریان سپرده‌گذار طراحی نمود که مانع بروز هجوم‌های بانکی یا باعث محدود شدن ابعاد آن شود که تبیین الگوی فوق در قالب مطالعه‌ای مستقل قابل طرح است.

نتیجه‌گیری

مدلی که در این مقاله معرفی شد، به عنوان یک چارچوب مفید برای تحلیل بانکداری و مسائل مدیریت دارایی‌ها و بدهی‌ها، می‌تواند به صورت گسترده‌ای استفاده شود. همچنین، تحلیل‌های فوق به طور کلی‌تر برای شرکت‌هایی به کار می‌رود که بدهی‌هایشان نقدتر از دارایی‌هایشان است؛ در واقع، این تحلیل‌ها مختص بانک نیست.

علت تمرکز بر بانک‌ها به عنوان واسطه مالی این است که بانک‌ها بخش قابل توجهی از بدهی‌های کوتاه مدت شرکت‌های سهامی را در دست دارند. همچنین، شرکت‌هایی که اوراق مالی کوتاه مدت منتشر می‌کنند، در صورتی که وام به آنها تعلق نگیرد، بایستی اعتبار بانکی لازم را برای پرداخت اوراق قرضه داشته باشند و بانکی که دارای بیمه سپرده است، می‌تواند نقدینگی را برای شرکت‌ها تضمین کند. این امر می‌تواند از بحران نقدینگی برای شرکتی که بدهی‌های کوتاه مدت دارد، جلوگیری کند و به عبارت دیگر، اعتبارات بانکی نیاز شرکت را برای استفاده از اعلام ورشکستگی محدود می‌کند.

سیاست‌های اختیاری که بانک‌ها در صورت مواجه شدن با هجوم‌های بانکی، می‌توانند اتخاذ کنند شامل قراردادهای وقفه در قابلیت تبدیل و بیمه سپرده است و در صورت شدت گرفتن مشکلات بانک‌ها، بانک مرکزی به عنوان آخرین مرجع وام‌دهنده، وارد عمل خواهد شد.

سیاست‌های بانک‌ها جوابگوی کافی برای بحران‌های نقدینگی و هجوم‌های بانکی نیستند؛ لذا نمی‌توانند از بحران‌های نقدینگی جلوگیری کنند و تنها می‌توانند بحران‌ها را به تأخیر اندازند یا در صورت مواجه شدن با بحران، از شدت آسیب‌ها بکاهند. قرارداد وقفه در قابلیت تبدیل، در صورتی که t معین و غیر تصادفی باشد، تسهیم ریسک بهینه را فراهم می‌کند؛ اما اگر t تصادفی باشد، نمی‌تواند تسهیم ریسک بهینه را فراهم کند. همچنین، بیمه

سپرده ضمانت می‌کند که سپرده‌گذاران نوع ۲ هرگز در هجوم شرکت نخواهند کرد و این قرارداد، می‌تواند تسهیم ریسک بهینه را فراهم کند.

گرچه در قالب ساختار عامّ نظام فعلی بانکداری اسلامی پدیده هجوم بانکی موضوعیت دارد، ولی دامنه مشکل کمتر از نظام بانکداری متعارف ربوی است. این امر ناشی از آن است که ساختار انگیزش‌های سپرده‌گذاران در نظام بانکداری اسلامی تلفیقی از معنویت‌گرایی، خیرخواهی برای دیگران، و کسب سود است.

هر سه راه مقابله با هجوم بانکی مشتمل بر قرارداد وقفه در قابلیت تبدیل سپرده، بیمه سپرده‌ها، و وام بانکی (با رجوع به بانک مرکزی) در نظام فعلی بانکداری اسلامی قابل به کارگیری است. علاوه بر این، می‌توان با تکیه بر مؤلفه‌های احساس معنوی، تعهد و مسئولیت مشتریان سپرده‌گذار و بانک، قراردادهایی با محتوای تعاون و تکافل بین بانک و مشتریان سپرده‌گذار طراحی نمود که مانع بروز هجوم‌های بانکی یا باعث محدود شدن ابعاد آن شود. گذشته از آن که در بانکداری اسلامی به واسطه حذف ربا و ممنوعیت غرر، زمینه عملی بروز بحران‌های مالی و هجوم‌های بانکی تضعیف می‌شود.

۱. به اختصار می‌توان آن را نفعی مورد معامله وقتی ارزش آن متناسب با ارزش اقتصادی معمول نیست تعریف کرد به اختصار میتوان چهل ذاتی و غیر قابل تحمل در معامله تعریف کرد.

۱Diamond & Dybvig "Bank Runs, Deposit Insurances and liquidity", *Journal of Political Economy*, v.93, N.2, P. 186-200.

۲Suspension of Convertibility

۳Deposit Insurance

£Discount Window

♠Lender of Last Resort

۳Ex Nihilio

۷Friedman and Schwartz (1963)

∆Nichans (1978)

۹Patinkin (1965, chap. 5)

۱Tobin (1965)

۱Bryant (1980)

۱Bernanke (1983)

۱financial collapse

۱monetary channels

۱Counter productive

۱Diamond and Dybvig

۱W1 be the period 1 payoff per unit deposit withdrawn at T = 1

۱W2 be the period 2 payoff per unit deposit not withdrawn at T = 2

۱Bank Run

منابع

- بخشی دستجردی، رسول «بررسی دلایل بروز بحران مالی کنونی در ایالات متحده آمریکا»، گزارش منتشر نشده، *دانشکده اقتصاد و علوم اداری دانشگاه اصفهان*، ۱۳۸۷.
- خادمعلی، منصور، «بیمه سپرده و ضرورت شکل‌گیری آن در سیستم بانکی کشور»، *اقتصاد*، ش ۷۹، ۱۳۸۳.
- خلعت بری، فیروزه، *مجموعه مفاهیم پولی، بانکی و بین‌المللی؛ انگلیسی، آلمانی، فرانسه، ایتالیایی و فارسی*، ۱۳۷۱.
- درخشان، مسعود، *ماهیت و علل بحران مالی ۲۰۰۸ و تاثیر آن بر اقتصاد ایران*، تهران، تشخیص مصلحت نظام، مرکز تحقیقات استراتژیک، پژوهشکده تحقیقات استراتژیک، گروه پژوهشی اقتصاد، ۱۳۸۷.
- دقیقی اصل، علی‌رضا و فهیمی فر، فاطمه و صیامی، ابراهیم، «بررسی علل بحران‌های مالی در جهان و راهکارهای برون رفت از آن‌ها (مطالعه موردی شرق آسیا)»، *مجموعه مقالات نوزدهمین کنفرانس سیاست‌های پولی و ارزی*، پژوهشکده پولی و بانکی، بانک مرکزی ج.ا.ی، ۱۳۸۸.
- فرهنگ، منوچهر، *فرهنگ علوم اقتصادی*، تهران، البرز، ۱۳۷۴.
- لروی میلر و پلسانیلی، پول و بانکداری نوین»، ترجمه احمد ناهیدی، تهران، دانش امروز، وابسته به موسسه امیرکبیر تهران، ۱۳۷۴.
- وکیلی، حسین، «بحران مالی جهانی و آثار آن بر اقتصاد ایران»، *تازه‌های اقتصاد*، ش ۱۲۲، زمستان ۱۳۸۷، ص ۵-۱۷.
- Bernanke, Ben S., "Nonmonetary effects of the financial crisis in the propagation of the Great Depression", *American Economic Review*, 73 (June), 1983, P.257-76.
- Bryant, John, "A model of Reserves, Bank Runs, and Deposit Insurance", *Journal of Banking and Finance*, (December) 1980, p. 335-44.
- Diamond, D. W. , "Financial intermediation as delegated monitoring: a simple example," 1996.
- Diamond, Douglas W., "Banks and Liquidity Creation: A Simple Exposition of the Diamond-Dybvig Model." *Economic Quarterly*, 2007, Vol.93, No.2, 186-200
- Diamond, Douglas W., and Philip H.Dybvig, "Bank Runs, Deposit insurance, and Liquidity", *Journal of Political Economy*, 1983, Vol.91, No.5, p. 401-19
- Economic Quarterly, Federal Reserve Bank of Richmond, issue Sum, pages 51-66.
- Friedman, Milton, and Schwartz, Anna J., *A Monetary history of the United States, 1867-1960*". Princeton, N.J.: Princeton University Press (for National Bureau of Economic Research), 1963.
- Niehans, Jürg., *The theory of money*, Baltimore: Johns Hopkins University Press, 1978.
- Patinkin, Don., *Money, interest, and prices: An integration of monetary and value theory*", 2 ed. New York: Harper & Row, 1965.
- Tobin, James., "The theory of portfolio selection. In The theory of interest rates", ed. Frank H. Hahn and F. P. R. Brechling, p. 3-51, London: Macmillan, 1965.